

منچو گوئو

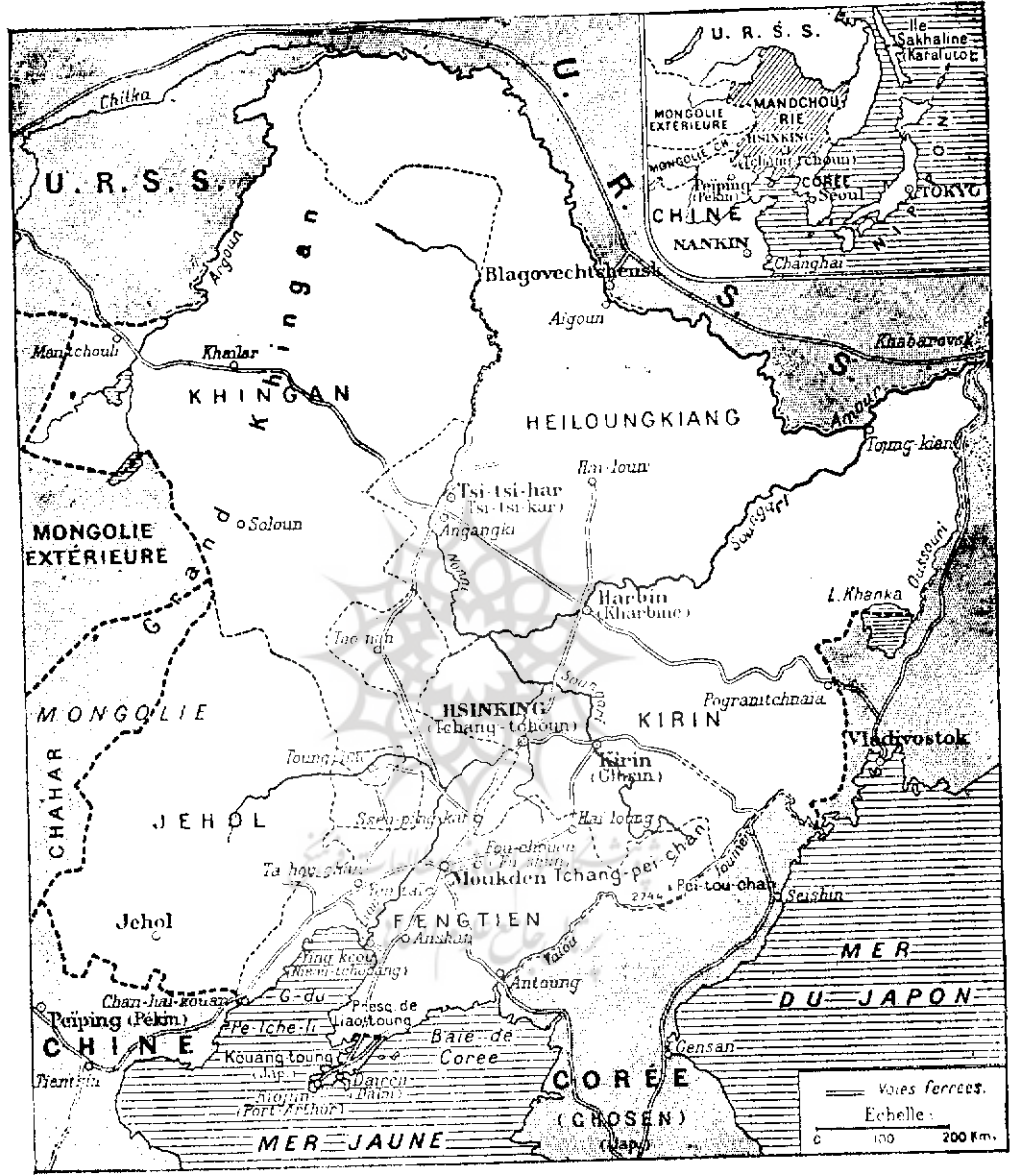
۱

منچو گوئو به معنی « مملکت منچو » است . این مملکت یکی از ممالک شرق اقصی است که استقلال آن در اول مارس ۱۹۳۲ اعلان شد . منچو گوئو از چهار ایالت شمال شرقی امپراطوری سابق چین بنام « فننگ تین ۲ » و « کی رین ۳ » و « هی لونگ کیانگ ۴ » و « ژهول ۵ » تشکیل می شود ، و اخیراً عدد ایالات این مملکت به پنج بالغ شد . این معنی که از قسمت غربی هی لونگ کیانگ و قسمتی از فننگ تین ایالتی جدید بنام « خینگان ۶ » تشکیل داده اند . این مملکت منشاء خاندان امپراطوران منچو که از ۱۶۴۴ میلادی تا ۱۹۱۱ در سرزمین چین امپراطوری کرده اند بوده و در جزء املاک شخصی آنان بشمار می آید و بعد از اعلان استقلال منچوری بنام منچوتی گوئو ۷ (یعنی مملکت امپراطوری منچو) موسوم شده .

حدود - حدود منچو گوئو تقریباً همان حدود منچوری سابق است و در طرف غربی حدود آن چنانکه باید مشخص نیست . در شرح حدود این مملکت از بندر « شان هائی کو آن ۸ » یکی از بنادر جنوبی منچو گوئو شروع می کنیم . از این بندر که در کنار خلیج « چلی » واقع است خطی در امتداد خلیج پیش می رود و شبه جزیره « ایاتونگ ۹ » را نیز شامل شده و در شمال ناحیه « دائی رن ۱۰ » « بادالنی ۱۱ » و « یوژون ۱۲ » یا « یرت آنور » از ساحل دریا دور شده و در شمال مستعمره ژاپونی از غرب بشرق پیش رفته و بدریای زرد متصل می شود و از اینجا باز در کنار دریا نامصب رود یالو ۱۳ (رودی در شمال کره که بدریای زرد می ریزد) پیش می رود ، ازین پس رود یالو سرحد این مملکت و مملکت کره است و پس از این رود فاصله کمی سرحد این دو مملکت رود دیگر است بنام « تومن ۱۴ » که بدریای ژاپون می ریزد . از نزدیکی مصب این رود سرحد شرقی منچو گوئو شروع می شود . در این قسمت همسایه منچو گوئو روسیه است . امتداد خط سرحدی در این سمت تقریباً شمالی جنوبی و نادر ریاضه « خانکا » سرچشمه رود « اسوری ۱۵ » از شعب رود آمور ، خطی فرضی است . از این پس تا شهر « خاباروسک ۱۶ » رود اسوری سرحد منچوری و اراضی روسیه است . بعد از آن سرحد شمالی منچوری در امتداد رود آمور ورود « آرگون ۱۷ » از شعب آن پیش می رود و پس از آنکه از جنوب شرقی بشمال غربی در ساحل آمور و از شمال شرقی بجنوب غربی در ساحل آرگون پیش رفت امتداد آن شرقی و غربی شده و پس از طی مسافت کمی بطرف جنوب متمایل می شود . ازین پس سرحد غربی آن شروع می شود . در این قسمت سرحد منچوری کاملاً مشخص نیست زیرا که قبایل صحراگرد مغولی که در این حدود بسر می برند جای مشخصی نداشته و زندگیشان گاه در خاک مغولستان و گاه در خاک منچوری میگذرد و از طرف دیگر سیاست روس و چین و ژاپون خود به مشخص نبودن این سرحد کمک می کرد . بهرحال خط فرضی غیر مشخصی

-
- ۱ - Mendchoukougou - ۲ - Fengtien - ۳ - Kirin - ۴ - Heiloung Kiang - ۵ - Jehol - ۶ - Khingan - ۷ - Mandchoutikcou - ۸ - Chan-Hai-Kouan - ۹ - Liao toung - ۱۰ - Dairen - ۱۱ - Palni - ۱۲ - Riojun - ۱۳ - Yalou - ۱۴ - Taumen - ۱۵ - Oussouri - ۱۶ - Khabarovsk - ۱۷ - Argoum

در این سمت از شمال با اوجا جهانی بجنوب متوجه شده بدیوار عظیم چین ختم میشود. از این پس



نقشه منچو کوئو

دیوار چین از غرب بشرق پیش رفته به شاهانهی کوان ختم میشود و سرزمین منچو کوئو را از ایالتی که بکن مرکز آنست جدا میسازد.

جغرافیای طبیعی

مساحت سطح تمام خاک منچو کوئو در حدود ۱۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع است؛ طرف شرقی این مملکت سلسله جبال «جانگ پشی شان ۱» در امتداد شمالی جنوبی وجود دارد که مهم‌ترین قله آن «پشی توشان ۲» با ارتفاع ۲۷۴۴ متر است. این سلسله جبال بجنوب امتد شده و در شبه جزیره «کوآننگ تونگ ۳» قله متعدد مرتفعی را تشکیل میدهد. درست مغرب سلسله جبال خین گان نیز در امتداد شمالی و جنوبی امتد بوده و ارتفاع قله آن از ۲۰۰۰ متر نمیگذرد. درست جنوب سلسله خین گان بردشت گبی؛ مشرف است و درست شمال بتدریج از ارتفاع آن کاسته میشود تا از حیث ارتفاع با فلات مغولستان بطور نامحسوسی مساوی میگردد. در میان این دو رشته سلسله ها عقده های کوهستانی کم اهمیتی وجود دارد.

رود مهم منچو کوئو «لیاؤه» است که از نزدیک «هسین کینگک» (جانگ جونگک ۷ سابق) پایتخت مملکت عبور کرده و بطرف جنوب رفته در بندر «بینگ کئو» (نیئوچوآننگ ۹ سابق) به خلیج چلی میریزد. حوزه سفالی لیاؤه دشت وسیعی تشکیل میدهد که از قدیم الایام مزروع بوده و حاصلخیز است. لیاؤه کم عمق ولی برای منچوری بسیار مفید است. در قسمت شمالی مملکت رود «سونگاری ۱» جاری است. قسمت عمده این رود قابل کشتی رانی است. سرچشمه این رود مثل رود لیاؤه از قله جانگ پشی شان است ولی برخلاف لیاؤه که بجنوب سرازیر میشود بطرف شمال می رود و از شهر کیرون عبور کرده و برودخانه دیگری بنام «نونئی ۱» متصل میشود. این رودخانه اخیر آب فراوانی از تمام نواحی شمال غربی بسونگاری می آورد. ازین پس سونگاری بطرف شمال شرقی توجه شده از «خارین ۲» گذشته و در «تونگ کیانگ ۱۳» برود آمو متصل میشود.

آب و هوای منچوری بطور عموم بسیار سخت و شدید و متغیر است و در نواحی مختلف مملکت آب و هوای مختلف وجود دارد. در شمال مملکت درجه حرارت از ۳۰- تا ۳۰+ تغییر میکند. در قسمت جنوبی در سواحل دریا نسبت به تغییر درجه حرارت کم تر است. در شبه جزیره کوآننگ تونگ درجه حرارت هیچگاه از ۲۰- پائین نمی آید و نایبستان در این ناحیه طویل است و در زمین های این نواحی انواع سبزیها و نباتات و پنبه میروید. ولی رویه مرزفته در منچوری دوره زراعت بسیار محدود و کوتاه است بترتیبی که تمام امر زراعت در حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ روز باید بکلی تمام و بکریه شود و باین ترتیب کار فلاحات بسیار بسرعت پیش می رود و این خود بکثرت اقتصاد ملی است چه زارعین پس این مدت قلیل میتوانند بکارهای دیگر پرداخته از محصول کار خویش منافع مهم بمملکت برسانند. درجه حرارت هوا در نایبستان امر زراعت را بسیار آسان میکند و رطوبت نیز بر طبق مرام و مقصود زارعین کمک میکند باین معنی که از مارس تا اوت که برای رشد نباتات بر طوبت زیاد احتیاج دارند مقدار آن بشدت فراوان است و در سپتامبر که موقع برداشتن محصول است مقدار رطوبت بشدت نقصان می یابد و کار زارعین را در جمع آوری زراعت آسان میکند. فصل باران در منچوری از ژوان شروع شده به اوت ختم

۱ - Tchang pei-chan - ۲. Pei-tou-chan - ۳. Kouang-toung - ۴. Gobi.

۵ - Liao - ۶. Hsinking - ۷. Tchang-tchoung - ۸. Ying-keou - ۹. Nieou-tchouang.

۱۰ - Soungari - ۱۱. Nonni - ۱۲. Kharbine - ۱۳. Toung-kiang.

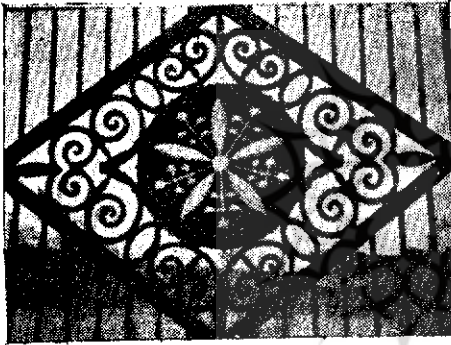
میشود و سالهایی که فصل باران آنها از ماه مه شروع شود در جزء بهترین سنین است. در منچوری آفتاب سوزان و بادهای شدید وجود دارد.

سرحدات مغولستان بسیار خشک است ولی قسمت های کوهستانی شمال از نظر باران خوب و بهتر از قسمت های جنوبی است و از این جهت برای زراعت مساعدتر می باشد.

تاریخ منچو کوئو - سرزمینی که امروز به منچو کوئو موسوم است و در قسمت شمال شرقی چین قرار دارد و مدتهای مدید قبایل چادر نشین صحرا کرد در آن بسر میبردند در بیش از مدت ۲۰ قرن بین مغولان و چینیان و «تونگوزها» بر سر آن نزاع بود. نفوذ چینیان از حدود قرن چهارم قبل از میلاد در این مملکت شروع میشود. اولین قسمتی از منچوری که در تحت نفوذ چینیان درآمد دره لیاو است و از همین طرف راه نفوذ آنان بکره باز شد.

در قرن ۳ میلادی طایفه چادر نشین

مغولی «سین پی» ۲ بر منچوری و چین شمالی دست یافت و بنابراین نفوذ چینیان کاملاً از منچوری قطع شد و این نفوذ از دست رفته بوسیله سلسله تانگک ۴ (۹۰۷ - ۶۱۸ مسیحی) تجدید شد. از قرن ۱۰ تا قرن ۱۲ میلادی طایفه مغولی «کیتان» ۴ بر منچوری و چین شمالی حکومت میکرد و بعد از این طایفه «نوجن» ۵ که اصلشان یکی از قبایل مهم تونگوز میرسید سلسله «کین» ۶ را تاسیس کرده بر نواحی فوق تسلط یافت و جای سلسله کین را در

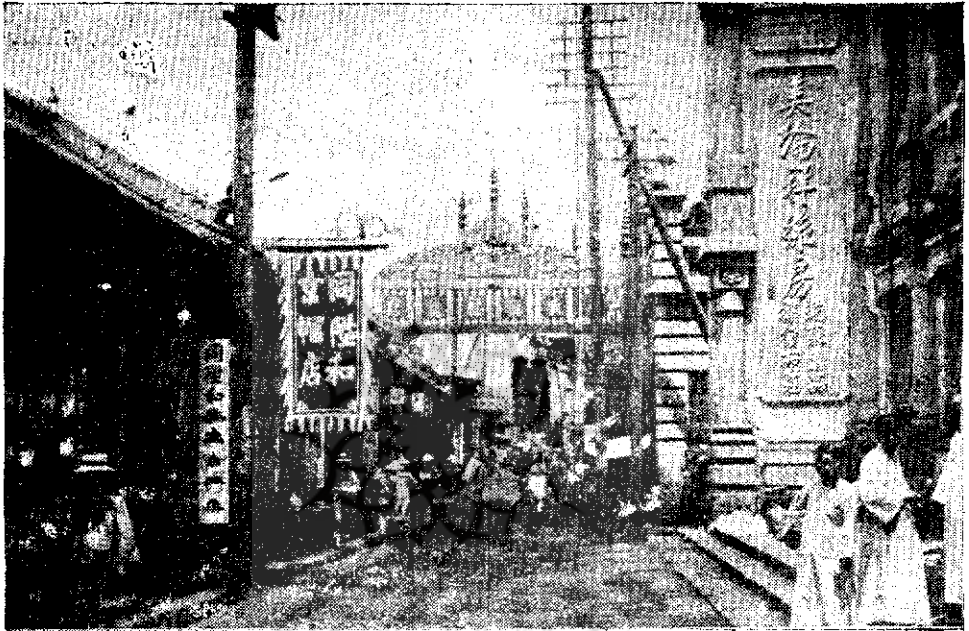


نشانه سلطنتی منچو کوئو بر در قصر سلطنتی نصب است

قرن ۱۳ جانشینان جنگیز خان گرفتند. در آخر قرن ۱۴ سلسله «مینگک» ۷ در چین تاسیس سلطنتی کرد و در زمان تسلط همین طایفه است که دیوار عظیم شمالی چین برای حفظ چین از تاخت و تازهای اقوام شمالی کشیده شد. این طایفه در دره لیاو از منچوری نیز نفوذ و تسلط داشته و آنرا در تحت اختیارات خود اداره می کردند. طایفه تونگوزی «نوجن» در خلال همین احوال در ناحیه خاربین حکومت می کرد و پادشاهان همین قومند که بتدریج بر طوایف اطراف غایب کرده اتحادی در مملکت منچوری پدید آوردند. در ۱۶۱۶ قدرت یکی از رؤسای همین طایفه یعنی «نورهایشی» ۸ بجای رسید که در «موکدن» ۹ با امپراطوری نشست و نواداد «تائی تسونگ» ۱۰ در ۱۶۴۴ بر یکن دست یافت. در ۱۶۶۱ سلسله مینگک در اثر نفوذ و اقتدار طایفه نوجن از میان رفت و تمام چین در تحت تسلط پادشاهان منچوری که بلقب «تسینگک» ۱۱ ملقب شدند درآمد. و این سلسله که یابختشان یکن بود تا انقلاب سال ۱۹۱۱ اقتدار خود را حفظ کرد. در تمام این دو قرن و نیم چین و منچوری متحداً در

۱ - Tonngouses . ۲ - Siempis . ۳ - Tang . ۴ - Kitan . ۵ - Nu-tchen . ۶ - Kin . ۷ - Ming . ۸ - Nurhachi . ۹ - Moukden . ۱۰ - Tai-tsoung . ۱۱ - Tsing

تحت قدرت شاهان تسینگ اداره میشد و این مرادده خود باعث شد که تمدن چین شمالی در منچوری انتشار یابد ولی امپراطوران منچوئی تسینگ خود از نزدیکی کامل به تمدن چینی سرباز می‌زدند و ساخوهای مهم نواحی چینی را که از نظر نظامی قابل ملاحظه بود از ساکنین منچوری ترتیب میدادند و حتی اجرای برخی از تشریفات مذهبی را در یکن جز اهالی منچوری دیگران نمی‌بایست



یکی از کوچه‌های لیائویانگ

عده دار شوند و در منچوری نیز مشاغل مهم در دست اهالی همین سرزمین بود و رفتن چینیان در منچوری ممنوع شمرده میشد، مگر در برخی از موارد که زارعین چینی را برای بهبودی احوال زراعت منچوری برفتن در این مملکت تجریض مینمودند ولی این اشخاص فقط حق زراعت داشتند نه تملك زیرا که املاك منچوری خاص اهالی آن بود. از اواسط قرن ۱۹ این امور اندکی روبستگی رفت و در زمان سلطنت «کوآننگ سیوا» (۱۸۷۵ - ۱۹۰۸) مهاجرت چینیان به منچوری آزاد شد.